

Religious, Cultural and Political Position of Shah Tahir in Nezam Shahi Dynasty

Abstract

Almost simultaneously with the formation of the three governments of Nezam Shahi, Qutb Shahyan and Adel Shah in Deccan, the Safavid government came to power in Iran. Choosing Shiite religious by this powerful government and factors such as Shiites migration to Deccan led to the spread of Shia. On the other hand, the acquisition of court positions by a number of Shiite elites in these courts had a tremendous effects on domestic politics as well as regional relations. One of the influential people in the Nezam Shahi dynasty is Shah Tahir. This research uses the method of historical research which is based on description and analysis and based on library resources to explain Shah Tahir's position in Deccan and his religious, political and cultural influences in the court of Nezam Shahi court and the results of his actions in spreading Shiism.

The findings show that the presence of Shah Tahir is one of the important reasons for the promotion of Shiism in the Deccan. In addition to inviting Shiite scholars from Shiite lands, he authored various books and taught so that all of the capital's scholars attended his lectures in Ahmadnagar.

His closeness to the government and the support of the Safavids helped his efforts to spread Shiism.

of Nezam Shahi court and the results of his actions in spreading Shiism.

Keywords:

Nezam Shahi, Safavid, Hanafi Sunni, Shiite, Shah Tahir

جایگاه مذهبی، فرهنگی و سیاسی شاه طاهر در حکومت نظام شاهیان

اعظم غلامی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۰۱

مهدی انصاری^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۰۴

محبوبه شرفی^۳

چکیده

تقریباً مقارن با تشکیل سه دولت نظام شاهیان، قطب شاهیان و عادل شاهیان در دکن، دولت صفویه در ایران روی کار آمد. برگزیدن مذهب تشیع توسط این دولت قدرتمند منطقه و عواملی مانند مهاجرت شیعیان به دکن موجب گسترش تشیع در آن سرزمین گردید. از سوی دیگر، کسب مقام‌های درباری توسط تعدادی از نخبگان شیعه در این دربارها تأثیرات شگرفی را در سیاست داخلی و همچنین مناسبات منطقه‌ای به دنبال داشت. یکی از افراد تأثیرگذار حکومت نظام شاهیان، شاه طاهر می‌باشد. این پژوهش با استفاده از روش تحقیق تاریخی که مبنای آن توصیف و تحلیل است و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای به تبیین جایگاه شاه طاهر در دکن و تأثیرات مذهبی، سیاسی و فرهنگی او در دربار نظام شاهیان پرداخته و نتایج اقدامات او در زمینه گسترش تشیع را مورد بررسی قرار می‌دهد.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد حضور شاه طاهر، یکی از علل مهم ترویج تشیع در دکن است، وی پس از ورود به دکن در فضایی که تعصبات اهل سنت، شیعیان را تحت فشار قرار داده بود به تدوین برنامه‌ای جامع برای ترویج و اشاعه تعالیم تشیع پرداخت.

وی علاوه بر دعوت از دانشمندان شیعه از سرزمین‌های شیعی، به تألیف کتب مختلف و تدریس پرداخت به طوری که در جلسات درس او در احمدنگر، همه علمای پایتخت شرکت می‌کردند. نزدیکی وی به دولت به صفویان و کسب حمایت از آنان به اقدامات وی در گسترش تشیع کمک کرد.

کلیدواژه‌ها: نظام شاهیان، صفویه، تسنن حنفی، تشیع، شاه طاهر

۱- دانشجوی دکتری تاریخ، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، ایران a.gh1390@yahoo.com

۲- استادیار گروه تاریخ، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، ایران (نویسنده مسئول) dr.mahdi.ansari@gmail.com

۳- دانشیار گروه تاریخ، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، ایران Sharafi48@yahoo.com

مقدمه

یکی از حکومت‌هایی که بعد از فروپاشی بهمنیان در دکن پایه‌گذاری شد نظام شاهیان بودند. این دولت توسط برهمن زاده‌ای هندو که در اسارت بهمنیان مسلمان شده بود، تأسیس شد. پادشاهان این سلسله در سال‌های اولیه تأسیس به تغییر مذهب روی آورده و از تسنن حنفی به تشیع گرایش پیدا کردند و این مذهب را به عنوان مذهب رسمی دولت خویش برگزیدند. به نظر می‌رسد در این تغییر مذهب که از جنبه‌های مختلفی قابل بررسی است، افراد و جریان‌های مختلفی مؤثر بوده‌اند. مسئله اصلی پژوهش حاضر بررسی دستاوردهای حضور شاه طاهر در دکن می‌باشد؛ هرچند که به نظر می‌رسد در منابع، اطلاعات مربوط به دوره نظام شاهیان محدود می‌باشد ولی پژوهش‌هایی در این زمینه صورت گرفته است عباسقلی غفاری فرد در مقاله روابط صفویان با نظام شاهیان، دلیل اصلی تشیع نظام شاهیان را وجود شاه طاهر در دکن عنوان کرده است و دلیر و سهراب زاده در مقاله جستاری در تغییر مذهب نظام شاهیان دکن؛ بازخوانی روایات تاریخی، با بررسی زندگینامه و اقدامات شاه طاهر در دکن، دلیل اصلی تشیع در دوره نظام شاهیان را وجود دولت قدرتمند صفویه بیان کرده‌اند و در نوشتار دیگری با عنوان نقش عالمان شیعی مهاجر ایرانی در گسترش معارف شیعی دکن، نویسندگان به بررسی اقدامات عالمان شیعه ایرانی در دوره عادلشاهیان و نظام شاهیان پرداخته‌اند پژوهش حاضر از این جهت که بنا دارد زمینه‌های مختلف حضور شاه طاهر در دکن را بررسی کند می‌تواند حائز اهمیت باشد.

تشکیل دولت نظام شاهیان (۱۰۰۴-۸۹۵ ق)

مؤسس این سلسله احمد نظام شاه (شیرازی، بی تا: ۵۲؛ حسینی عرب، ۱۳۸۶: ۱۲۱) فرزند ملک نایب نظام الملک بحری است (هندوشاه، ۱۳۰۱: ۹۳؛ ۲۶، SEWELL). ملک نایب در سرنگونی محمود گاوآن نقشی مهم بر عهده داشت و پس از او، خود صدراعظم بهمنیان شد. نام اصلی ملک حسن، اتم، یعنی ممتاز و برجسته و پسر برهمنی اهل بیجانگر بود و در جنگی به اسارت بهمنیان درآمد. او مسلمان شد و علوم ادبی و فنون نظامی را آموخت و در دربار بهمنی، دشمن آشتی‌ناپذیر آفاقی‌ها شد (اطهر رضوی، ۱۳۹۶: ۴۴۹). او خط و سواد هندی را آموخته بود و به همین دلیل احمد شاه بهمنی او را به پسر ارشد خود محمد بخشید و او را همراه پسرش به مکتب فرستاد؛ همچنین هنگام به سلطنت رسیدن محمد با لقب «اشرف همایون نظام الملک» مقام‌های متعددی به دست آورد و پس از مرگ گاوآن اداره دیوان‌های حکومت را به دست گرفت. ملک نایب که توانسته بود به مقام سرلشگری دست پیدا کرده و پس از مرگ سلطان محمد، وکیل السلطنه محمود شاه بهمنی، پسر خردسال او شود بعد از مدتی به دستور محمود شاه کشته شد (خطیبی، ۱۳۷۵: ۹۶).

احمد پسر ملک نایب در زمان محمود شاه بهمنی، با سرکوب گروهی از مخالفان ارادت خود را به پادشاه نشان داد و از همین راه توانست ثروت و اموال فراوانی به دست آورد اما پس از آنکه پدرش به فرمان محمود شاه به قتل رسید، به پشتوانه ثروت فراوانش (چلونگر و شاهمرادی، ۱۳۹۵: ۴۵۷) و با استفاده از ضعف

حکومت بهمنیان اعلام خودمختاری نمود و با نام احمد شاه زمام امور را به دست گرفت (خواجه پیری، بی تا: ۴۲) و سلسله مستقل نظام شاهی را تأسیس کرد و خطبه و سکه به نام خود زد (میرعالم، ۱۳۰۹: ۱۴؛ رای بند، بی تا: ۱۳۱). او در مکانی که در سال ۸۹۵ ق در برابر لشکر بهمنی به پیروزی رسیده بود باغی به نام نظام شاه بنا کرده بود و در سال ۹۰۰ در مقابل همین باغ پایتخت خود احمدنگر را بنا نهاد (خانزمان خان، ۱۳۷۷: ۵۱۵؛ SEWELL, ۲۶). نگر در زبان سانسکریت به معنای شهر و آبادی است. این شهر که در شرق بمبئی و در ایالت مهاراشترا قرار گرفته از آب و هوای خوبی برخوردار بوده و در دوران احمد شاه مدارج ترقی و رفاه را پیمود و در دوران فرمانروایی فرزندش برهان شاه، یکی از مراکز علمی و فرهنگی شد (رضا، ۱۳۷۵: ۹۹-۹۸). احمد نظام شاه در تسنن کمال تعصب را داشت (نجاتی حسینی، ۱۳۸۸: ۱۴۱). تسنن حنفی، در این دوره، مذهب رسمی دربار احمدنگر بود و اختلاف مذهبی چندانی پدیدار نشد. البته این سخن به معنای یک دستی مذهبی نیست؛ چرا که علاوه بر حنفیان، شافعیان نیز حضور داشتند و شیعیان نیز در اقلیت و به صورت تقیه روزگار به سر می بردند. حکومتی که احمد شاه تأسیس کرد، حدود یک قرن تا سال ۱۰۰۴ قمری به طول انجامید و از حکومت های قدرتمند منطقه به شمار می آمد. در این حکومت، یازده پادشاه به حکمرانی پرداختند و سرانجام به دست گورکانیان هند منقرض شد (دلیر و سهراب زاده، ۱۳۹۴: ۱۱۱-۱۱۰).

شاه طاهر دکنی

شاه طاهر انجدانی قمی یا طاهر دکنی، فرزند رضی الدین اسماعیلی حسینی (مصاحب، ۱۳۸۱: ۱۴۴۴) متکلم، دانشمند، مدرس و شاعر در همدان متولد شد. او در محلی به نام خند (خواند) نزدیک قزوین زندگی می کرد. با گذشت زمان به خاطر علم و تقوایی که داشت به محبوبیت زیادی دست پیدا کرد (اثرآفرینان، ۱۳۸۴: ۲۹۱). نسبش به خلفای اسماعیلی می رسید که خود را به اسماعیل بن جعفر صادق نسبت می دادند (نفیسی، ۱۳۴۴: ۳۶۷). او سی و یکمین و معروف ترین امام سلسله محمد شاهی است (دفتری، ۱۳۸۶: ۵۵۴). اجداد او نزدیک به سیصد سال مسند ارشاد و راهنمایی مردم را به عهده داشتند. تا اینکه نوبت به شاه طاهر رسید رتبه او در علوم ظاهری و باطنی و فصاحت بیان از آباء و اجدادش فراتر رفت و شیعیان مصر و بخارا و قزوین و غیره ارادتمند او شدند و او بسیار مشهور شد. اسماعیل صفوی که خود از طریق نظام پیری و مریدی به سلطنت رسیده بود او را رقیبی برای خویش دید و در صدد شد تا سلسله جمیع مشایخ را به خصوص خواندیه را براندازد. میرزا شاه حسین اصفهانی ناظر دیوان عالی از ارادتمندان شاه طاهر بود، چون از این مسئله آگاه شد، به شاه طاهر اطلاع داد و شاه طاهر راه صواب را در ترک سجاده نشینی دید. با وساطت میرزا شاه حسین، شاه طاهر را منصب تدریس در کاشان دادند، مریدان و شاگردان بسیاری رو به کاشان آوردند؛ دوباره کلاستران کاشان، نامه به شاه اسماعیل نوشته، شاه طاهر را متهم به ترویج مذهب اسماعیلی نموده و شاه اسماعیل نیز به این دستاویز، دستور قتل او را صادر نمود. این بار هم میرزا شاه حسین به تعجیل این خبر را به شاه طاهر رسانید و از او خواست هر چه سریع تر از ایران خارج شود (هندشاه استرآبادی، ۱۳۸۸: ۱۱۱). شاه طاهر با تمام فرزندان و متعلقان از کاشان به سمت هندوستان عزیمت نمود. او از طریق ساحل دریای عمان و از جزیره جردن با کشتی به بندر دابل رفت (طباطبا، ۱۹۳۶: ۲۵۴) و چون این خبر به شاه اسماعیل

رسید چند سوار در پی او فرستاد که او را بازگردانند، اما سواران به او نرسیدند و پس از چندی شاه اسمعیل از بدخواهی نسبت به او پشیمان شد این در حالی است که شاه طاهر و همراهانش از راه بیجاپور به گلبرگه رفته و در آنجا ساکن شده بود و هر چه شاه اسمعیل او را بازگشت دعوت کرد نپذیرفت و شاه طهماسب هم که به سلطنت رسید از او دلجویی کرد و خواست او را به ایران بازگرداند اما شاه طاهر نپذیرفت و پس از چندی توقف در گلبرگه قصد سفر حج کرد و چون به منطقه پرنده رسید دوستانش او را از آن سفر منع کردند و همان‌جا ماند و پس از چندی به احمدنگر و از آنجا به دکن رفت و در دکن ساکن شد و به همین جهت به شاه طاهر دکنی معروف شده و در دکن کارش بسیار بالا گرفت و نخست برهان نظام شاه پادشاه دکن وکالت خود را به او داد (نفیسی، ۱۳۴۴: ۳۶۷). ورود شاه طاهر و انتصاب او به مقام وزارت، آغاز دوره جدیدی در تاریخ سیاسی و فرهنگی نظام شاهیان است (قادری، ۱۳۸۶: ۲۵؛ ۲۳۵: ۱۹۷۳: Sherwani).

شاه طاهر آن سرزمین را آباد کرد و در خدمتگزاری به برهان نظام شاه کوشید (حسینی عرب، ۱۳۸۶: ۱۲۲). خدمت شاه طاهر در هند بسیار اهمیت دارد، علماء زیادی را در موضوعات مختلف اسلامی تربیت کرد و حوزه درسی وی یکی از بزرگترین حوزه‌های علمی هندوستان بود. شاه طاهر بسیار محترم بود و خدمات وی ارزنده بود (مطهری، بی‌تا، ۳۴۱). اهمیتی که شاه طاهر برای اهل فضل قائل بود باعث شد که تعداد زیادی از علماء، فضلا، شعراء، صلحا و اتقیا به دکن مهاجرت کنند (شیرازی، بی‌تا: ۵۲). از زمان ورود شاه طاهر، احمدنگر به مرکز فرهنگی شیعه تبدیل شد (Sherwani, ۱۹۷۳: ۲۴۰) و فضای مناسبی برای فعالیت‌های ادبی و حمایت از شاعران و زبان فارسی در احمدنگر به وجود آمد. شاه طاهر خود شاعر و عالمی مشهور بود و با تأسیس کالجی مخصوص علوم دینی و استخدام عالمان ایرانی توانست در این زمینه موفق باشد. حضور سادات، علماء، فضلا و شاعرانی چون ملک قمی، نظیری نیشابوری، ظهوری ترشیزی، نویدی اصفهانی در دربار نظام شاهیان، دلیلی بر علاقه این خاندان به اهل فضل و ادب است؛ اما اوضاع پراکندگی احمدنگر باعث شد تا بسیاری از این بزرگان از جمله فرشته و ملک قمی به دربار عادل شاهیان و قطب شاهیان پناه ببرند (اصغری، ۱۳۹۶: ۱۸۰).

او هم چنین تأثیر سیاسی قابل ملاحظه‌ای در دکن به جا گذاشت. از طریق وی بود که رفع اختلاف میان برهان نظام شاه اسماعیل عادل شاه بیجاپوری حاصل شد و به عنوان نماینده سیاسی برهان نظام شاه به دربار سلطان بهادر شاه گجراتی موفقیت زیادی کسب نمود. او با بصارتی که در امور سیاسی داشت، سلطان را تحت تأثیر قرار داد و با مباحثات مذهبی جالبی که با علمای گجرات داشت زمینه را برای تبلیغ مذهب تشیع آماده نمود. فضلا و دانشمندان کم‌نظیری در این دوران از ایران به شبه جزیره دکن مهاجرت کردند و شاه طاهر با ایجاد یک محفل روحانی با رونق از آنان استقبال می‌نمود و با این سرانجام نیک به سال ۱۵۴۹ م / ۹۵۶ ق درگذشت (هالیستر، ۱۳۷۳: ۱۳۳-۱۳۲؛ رئیس السادات، ۱۳۶۲: ۵۸۶).

برهان نظام شاه در سال ۹۴۴ ق با دلالت، همراهی، مواظبت و رفتار احتیاط‌آمیز شاه طاهر به تشیع روی آورد و چون نشان دوازده امام سبز رنگ بود چتر خود را سبز انتخاب کرد و نام خلفا را از خطبه حذف کرد (هندوشاه استرآبادی، ۱۳۸۸: ۱۰۹).

حضور شاه طاهر در دربار نظام شاهیان موجب تقویت پشتوانه فکری اندیشه مذهبی تشیع گردید و دولت نظام شاهی را قادر ساخت با مبانی فکری فرقه مهدویت به مبارزه برخیزد و بر آنان غلبه یابد. اگرچه فرقه مهدویت در بین بسیاری از مردم این منطقه طرفدارانی داشت؛ اما شاه طاهر از مخالفت با آنان سر باز نزد و اعتقادات خاص این فرقه هیچ شبهه‌ای را برای مبارزه با آنان در نزد شاه طاهر باقی نگذاشت (موسوی، چلونگر و عباسی، ۱۳۹۹: ۱۸۴).

تشیع مذهب رسمی نظام شاهیان

درباره تشیع برهان شاه داستان‌ها و روایاتی در منابع ذکر شده که بیشتر آنها به نقل از تاریخ فرشته بیان شده است. در اینجا به گزارش میر عالم در این باره می‌پردازیم.

داستان از این قرار است که پسر برهان شاه، شاهزاده عبدالقادر به شدت بیمار شد، هیچ یک از پزشکان نتوانستند درمانی برایش بیابند. او برای درمان فرزندش از پزشکان یونانی و هندی کمک گرفت و از آنان خواست هر کاری می‌توانند برای معالجه فرزندش انجام دهند او در این راه نذرهای بسیاری را به بتخانه‌ها فرستاد ولی حال عبدالقادر روز به روز وخیم‌تر می‌شد. شاه طاهر که همیشه در فکر ترویج مذهب تشیع بود فکری به ذهنش رسید و خواست تا در این زمان خواسته‌اش را عملی کند او با احتیاط تمام از شاه خواست تا نذر کند اگر فرزندش شفا یافت، دستور دهد تا مبالغی را صرف ائمه معصومین و اولاد آنها که سادات می‌باشند هزینه کنند، شاه پرسید: ائمه معصومین چه کسانی هستند وقتی توضیحات شاه طاهر را شنید قانع شد و قبول کرد و چون شاه طاهر، برهان را موافق دید مسئله را بار دیگر این‌گونه بیان کرد که امشب که شب جمعه می‌باشد پادشاه این‌گونه نذر کنند که اگر در این شب شاهزاده شفا پیدا کنند، پادشاه خطبه به نام ائمه اثنی عشر بخوانند و در ترویج تشیع بکوشند. برهان تمام شب را در کنار بستر فرزندش بیدار ماند در حالی که او از شدت تب پوشش را از روی بدنش عقب می‌زد. پیش از سپیده صبح خوابش برد و حضرت محمد (ص) را دید در حالی که دوازده امام دور او را گرفته بودند. پیامبر فرمود: ای برهان خدای تعالی به برکت علی و فرزندانش عبدالقادر را شفا بخشید، باید که از گفته‌ی فرزندم طاهر تجاوز نمایی. از شادی بیدار شد و پوشش عبدالقادر را به روی او دید. والده و دایه‌ی او گفتند لحاف خود به خود به حرکت آمده، بالای عبدالقادر پوشیده شد. پس برهان شاه در پی شاه طاهر فرستاد، هر چند شاه طاهر ترسیده بود که مبادا عبدالقادر فوت شده باشد و شاه در پی مجازات او باشد اما به هر ترتیب همراه فرستادگان به خدمت شاه رسید.

شاه برخلاف همیشه به استقبال او آمد و از او خواست او را به مذهب اثنی عشری درآورد پس از ذکر ماجرا بر شاه طاهر، برهان شاه به تشیع درآمد و تمامی اهل حرم نیز چنین کردند (میرعالم، ۱۳۰۹: ۱۷-۱۵) برهان شاه خواست تا خطبه به نام ائمه دوازده گانه خواند اما شاه طاهر مانع از عجله و شتاب شد و صلاح حکومت را در مخفی ماندن این راز دانست و از شاه درخواست کرد که مقدمات آن را تهیه کند و به این منظور علمای چهار گانه اهل سنت را دعوت کند و از آنها درخواست کرد که مذهب حقیقی را به او معرفی کنند. جلسات مناظره و مباحثه که برای این منظور برپا شده بود شش ماه طول کشید حتی شاه خود در برخی جلسات آن

حضور می‌یافت تا بالاخره در یکی از همین جلسات که با حضور پادشاه برگزار شد شاه طاهر توانست مذهب اثنی عشری را وارد بحث نماید هر چند که با مخالفت سایرین روبرو شد ولی درایت شاه طاهر و غلبه‌ی او در مباحثات بر سایر مذاهب و بیان حکایت بیماری عبدالقادر و خواب و قصه‌ی لحاف توسط برهان شاه باعث شد اکثر علمای مجلس و مقربان و غلامان ترک و حبش و آن‌طور که فرشته گفته حدود سه هزار نفر به مذهب اثنی عشری درآیند و چتر سفیدی که سلطان بهادر به برهان بخشیده بود به رنگ سبز درآمد (هندوشاه استرآبادی، ۱۳۸۸: ۱۱۴).

اما طباطبا که مورخ دوران نظام شاهیان است درباره دلیل پذیرش مذهب تشیع از سوی برهان شاه هیچ اشاره‌ای به بیماری فرزند او نکرده است و روحیه حقیقت‌جویی او را دلیل این پذیرش می‌داند و بیان می‌کند که شاه به دنبال یافتن مذهب حق از بین تمامی مذاهبی که در دکن وجود داشت، مجالس بحث و مناظره برپا می‌کرد خود در این مجالس شرکت می‌نمود و پیوسته طالب حق بود تا اینکه شاه طاهر با ادله محکمی توانست بر رقبای خویش پیروز شده و حقانیت تشیع برای شاه اثبات شود و برهان نظام شاه با راهنمایی شاه طاهر در این مسیر قدم بگذارد (طباطبا، ۱۹۳۶: ۲۶۳-۲۵۸). شروانی هم بدون هیچ اشاره‌ای به روایت‌های مختلف درباره تشیع برهان، بیان می‌کند شاه طاهر بر ذهن برهان تأثیر گذاشت و به تدریج او را از تمایلات اهل سنت دور کرد و برهان با استدلال خود و مجالست با علمای اهل سنت و شنیدن مباحثات آنها و شاه طاهر تصمیم به پذیرفتن تشیع گرفت (Sherwani, ۱۹۷۳: ۲۴۰).

هر چند که به نظر می‌رسد سخنان شاه طاهر که بر مبانی عقاید شیعه استوار بود در پذیرش تشیع برهان شاه مؤثر بود اما بر اساس مطالبی که در منابع مختلف آمده است درباره مذهب شاه طاهر ابهاماتی وجود دارد و این مسئله قابل تأمل به نظر می‌رسد. مورخین درباره مذهب شاه طاهر در ایران و دکن نظرات متفاوتی ارائه کرده‌اند. با اینکه اکثر مورخین بر اسماعیلی مذهب بودن شاه طاهر در ایران صحه گذاشته و حتی در برخی از تذکره‌ها ابیاتی به شاه طاهر نسبت داده شده که بر اسماعیلی مذهب بودن او دلالت داد. ابیاتی از قبیل:

مطلع ایجاد احمد حسن مطلع بوتراب هفت بیت اهل بیتش، شاه فرد انتخاب

مرتضی آنکه شه مسند عالی نسب است آفتابی است که برج شرفش دوش نبی است

حال این سؤال مطرح می‌شود که با وجود این، شاه طاهر در دکن پیرو چه مذهبی بود؟ مؤلف برهان متأثر نوشته که شاه طاهر در دکن به تبلیغ مذهب دوازده امامی می‌پرداخته و برهان شاه را نیز به آن دعوت می‌کرد. به غیر از آن در تاریخ ایلچی نظامشاه آثاری به وی نسبت داده شده که نشان دهنده آن است که وی پس از ورود به دکن مذهب دوازده امامی را تبلیغ می‌کرد. آثاری مثل «شرح باب حادی عشر در کلام» و نیز «شرح جعفریه در فقه» که این آثار در شرح اصول و عقاید مذهب جعفری (دوازده امامی) است و به نظر می‌رسد که شاه طاهر دکنی این آثار را پس از ورود به دکن نوشته است. قاضی نورالله نوشته: شاه طاهر در دکن به خلاف

اعتقادی که اهل ایران به او داشتند علم مذهب شیعه اثنی عشریه را برافراشت و سلاطین دکن و جمیع اتباع ایشان را شیعه اهل بیت گردانید.

در مقابل این گروه از مورخین، نویسندگانی نیز هستند که بر اسماعیلی مذهب بودن شاه طاهر در دکن تأکید می‌کنند، مثلاً ذبیح الله صفا نوشته: شاه طاهر در سال ۹۲۶ ق از چنگ قورچیان شاه اسماعیل جان به در برد و خود را به دکن رسانید و در آنجا مقام‌هایی یافت و مذهب مؤمنیه از مذاهب اسماعیلیه را در آنجا شیوع داد. ضمن اینکه دفتری، مؤلف اسماعیلی کتاب تاریخ و عقاید اسماعیلیه بر این باور است که شاه طاهر در زیر نام مذهب تشیع اثنی عشری به ترویج مذهب اسماعیلی می‌پرداخته و تقیه می‌کرد و به گفته وی این نوع از تشیع برای حکمرانان مسلمان هند، که می‌خواستند با سلسله شیعه دوازده امامی صفوی در ایران روابطی دوستانه داشته باشند قابل پذیرش است. با توجه به مطالب فوق چنین به نظر می‌رسد که مذهب شاه طاهر در ایران اسماعیلی بوده اما پس از ورود به دکن بنا به دلایلی نامعلوم و احتمالاً جهت نزدیکی به دربار صفویه به طرف مذهب اثنی عشریه کشانده شده و شروع به تبلیغ این مذهب در دکن کرد، امری که بیشتر منابع آن را مورد تأکید قرار داده‌اند، با این حال این مسأله تناقض آمیز در خور تأمل و بررسی بیشتر است (رحمانی، ۱۳۹۵: ۱۴۳-۱۴۲).

تاثیر شاه طاهر در برقراری و تحکیم روابط نظام شاهیان با صفویه

در تشیع نظام شاهیان به غیر از شاه طاهر انجدانی و همچنین حقیقت‌جویی برهان شاه به یقین می‌توان گفت که عامل دیگری نیز در آن دخیل بوده است و آن بعد سیاسی این جریان است. باید گفت که تشیع دکن را نمی‌توان بدون در نظر گرفتن تشیع ایران عصر صفوی مورد بررسی قرار داد. در این عصر به دلیل مهاجرت ایرانیان به دکن بسیاری از عقاید و اصول فرهنگ ایران و اسلام وارد این منطقه شد و پذیرش تشیع از سوی حکومت‌هایی نظیر عادل شاهیان، نظام شاهیان و قطب شاهیان که تقریباً مقارن با تثبیت حکومت صفویه بود، در مناسبات منطقه‌ای نقش مهمی ایفا کرد (رحمانی، ۱۳۹۵: ۱۴۹).

روابط نظام شاهیان با صفویان از جهاتی برای آنان اهمیت داشت؛ نظام شاهیان که به تازگی در جنوب هند، حکومتی مستقل تشکیل داده بودند، برای استمرار حیات و حفظ موجودیت خود در شرایطی که از سوی حکومت‌های همسایه خود، بارها چپاول و غارت شدند، نیازمند حمایت قدرتی برتر بودند. این حکومت‌ها پیوسته به جنگ و درگیری نظامی بر سر تصرف املاک و قلاع یکدیگر ایام می‌گذراندند؛ به طوری که حجم بسیاری از نوشته‌های متون تاریخی این دوره مانند تاریخ فرشته، منتخب اللباب و ... به شرح و بیان این جنگ‌ها اختصاص یافته است. بنا به روایت طباطبای، صفویان با پذیرش تشیع از سوی نظام شاهیان، سپاهی را برای حمایت از آنها در مقابل چنین تهاجماتی قرار دادند. گفتنی است که نظام شاهیان جزو قدرت‌های مهم منطقه به شمار می‌آمدند و بیشترین درگیری را با همسایه هم مسلک خود، یعنی عادل شاهی داشتند. از میان دشمنان سنی مذهب نیز مهم‌ترین دشمن آنها، گجراتی‌ها بودند.

افزون بر این، نظام شاهیان با پذیرش مذهب تشیع می‌توانستند از حمایت صفویان در مقابل قدرت بزرگتر دیگر - یعنی گورکانیان هند - نیز برخوردار شوند؛ چنان که تجزیه زودهنگام دو خاندان برید شاهی و عماد شاهی که به علت نداشتن پشتوانه‌ای قدرتمند، زودتر از سه خاندان شیعی مذهب دکن به زیر سیطره گورکانیان رفتند، از این امر حکایت داشت. گورکانیان و صفویان بر سر چند منطقه از جمله قندهار، همواره در جنگ و جدال بودند. دکن نیز منطقه دیگری بود که منافع ایران و مغول در آنجا با هم برخورد پیدا می‌کرد. مغولان هرگز سه سلسله عادل شاهی، نظام شاهی و قطب شاهی را به عنوان حاکمانی مستقل به رسمیت نشناختند و در نوشته‌های دولتی و تواریخ رسمی مغولان، این حکومت‌ها به ترتیب به نام عادل خانیان، قطب الملوک و نظام الملوک نام برده شده است.

اداره کردن حکومتی مستقل در دکن با وجود همسایگان متعددی که هر یک به بهانه‌های مختلف، پیوسته در حال دست‌درازی به اراضی و املاک نظام شاهیان بودند و مهم‌تر از آن حضور قدرتی بزرگ چون گورکانیان هند که در حال پیشروی به سمت جنوب هند بودند و تقریباً در اواسط حکومت نظام شاهی خود را به مالوه رسانیده بودند، همگی حکایت از آن داشت که نمی‌توان بدون اتکا به حاکمیتی قدرتمند، در صحنه رقابت‌های سیاسی منطقه حاضر شد.

پیوند میان حکومت‌های جنوب هند با دولت رقیب گورکانیان - یعنی صفویه - و ترویج مذهب تشیع از سوی آنان و نیز ثروت بی‌پایان دکن، از دلایل عمده توجه حاکمان گورکانی به جنوب هند بود. گورکانیان می‌خواستند حکومت‌های محلی دکن از آنها اطاعت کنند و فرمانروایی‌شان را بپذیرند. در واقع آنها این ایالات را جزئی از قلمرو خود می‌دانستند؛ اما این حکومت‌های محلی نه تنها از گورکانیان پیروی نمی‌کردند، بلکه نسبت به رقیب آنها - حکام صفوی - ابراز تمایل می‌کردند و خود را به آنها وابسته می‌دانستند (دلیر و سهراب زاده، ۱۳۹۴: ۱۱۷-۱۱۶).

دربار صفویه در ایران از شنیدن رسمیت یافتن تشیع در دربار نظام شاهی اظهار خرسندی کرد (چلونگر و شاهمرادی، ۱۳۹۵: ۴۶۴). گویا این خبر از طریق سید محمدحسین مدنی از ایرانیان مقیم دربار برهان شاه، پس از بازگشت از هند، به حضور شاه تهماسب رسید و از علاقه و محبت برهان شاه به اهل بیت پیامبر اسلام و کوشش‌های شاه طاهر در ترویج مذهب تشیع سخن گفت. این امر سبب شد که دوستی و محبت میان این دو خاندان مستحکم و باب‌نامه‌نگاری باز شود. شاه تهماسب، آقا سلمان تهرانی، مشهور به میر جمال را که چراغچی باشی دربار بود، برای مبارک باد ترویج مذهب تشیع با هدیه‌ها و انگشتری عقیقی که عبارت «التوفیق من الله» بر آن منقوش بود و فرمانی نزد شاه طاهر فرستاد (غفاری فرد، ۱۳۸۶: ۶). شاه طاهر نیز به درخواست شاه تهماسب و با موافقت برهان شاه، پسر خود، شاه حیدر را روانه دربار شاه تهماسب کرد. شاه حیدر پس از مدتی اقامت در ایران، به هند برگشت و نامه شاه تهماسب را همراه تحف و هدایا به برهان شاه تقدیم کرد. خورشاه بن قباد الحسینی در رجب ۹۵۲ از جانب برهان شاه و شاه طاهر در مقام سفیر حسن نیت به همراه هیأتی به ایران آمد و در قزوین به حضور شاه تهماسب رسید. او یک سال و نیم در اردوی شاه تهماسب ماند و به همین سبب به «ایلچی نظام شاه» مشهور شد و کتابی با عنوان تاریخ ایلچی نظام شاه نگاشت (چلونگر و شاهمرادی، ۱۳۹۵: ۴۶۵). حمایت دربار صفوی از نظام شاهیان تا دوره شاه عباس ادامه داشت اما پس از شاه

عباس اول نظام شاهیان از حمایت صفویان بهره چندانی نبردند و به این ترتیب گورکانیان پس از مرگ شاه عباس دولت نظام شاهیان را برانداختند. دلیل عدم حمایت صفویان از سلاطین دکن به خصوص نظام شاهیان شاید به این دلیل بوده که پس از شاه عباس، صفویان دچار آشفتگی داخلی شدند و قدرت و اقتدار سابق خود را از دست دادند و به حل مشکلات خود پرداختند و سلاطین دکن را در مقابل حملات گورکانیان هند به حال خود رها کردند (رحمانی، ۱۳۹۵: ۱۵۰).

اقدامات سیاسی - مذهبی و فرهنگی شاه طاهر پس از اعلام تشیع در احمدنگر

اعلام مذهب شیعه به عنوان مذهب رسمی دولت، معلم برهان، مولانا پیر محمد و دیگر علمای سنی را سخت آشفته کرد. هیجان بر ضد شاه طاهر بالا گرفت. تحت رهبری مولانا پیر محمد، برهان عزل شد و شاهزاده عبدالقادر به تخت نشست. یک لشکر با حدود دوازده هزار سواره و پیاده نظام زیر پرچم مولانا پیر محمد گرد آمدند، اما آنها نمی‌توانستند حتی لشکر کوچکی را که توسط برهان و شاه طاهر هدایت می‌شد، شکست دهند. عده قابل توجهی از پیروان پیر محمد او را ترک کردند و به برهان پیوستند. پیر محمد اسیر شد، اما شاه طاهر به خاطر احسان‌های گذشته‌اش او را از مرگ نجات داد و او را زندانی کردند. او پس از حدود چهار سال بنا به درخواست شاه طاهر آزاد شد و به شغل پیشین خود بازگشت (اطهر رضوی، ۱۳۷۶: ۴۵۶-۴۵۵).

شاه طاهر پس از رسمی شدن مذهب تشیع در حکومت نظام شاهیان به پشتوانه ی خزانه نظام شاهی به تصمیم گرفت تا اندیشمندان و متفکرین و دانشمندان شیعه را از سرزمین‌های دور و نزدیک، از خراسان و عراق و فارس و گجرات و آگره در احمد نگر گرد هم آورد تا به تقویت تشیع در قلمرو نظام شاهیان کمک کنند. افرادی چون شاه حسن انجو، شاه جعفر برادر شاه طاهر، ملا شاه محمد نیشابوری، ملا علی کل استر آبادی، ملا رستم جرجانی، ملا علی مازندرانی، ایوب ابو البرکه، ملا عزیز الله گیلانی، ملا محمد امامی استر آبادی و دیگر افاضل و اکابر رهسپار دکن شدند (هندوشاه، ۱۳۰۱: ۱۱۶).

او پول‌های زیادی به کربلا و نجف می‌فرستاد تا بین زائران و نیازمندان توزیع شود و به عالمان شیعه، حقوق و مواجب پرداخت می‌نمود. مرکز وقفی برای توزیع رایگان غذا بین نیازمندان به نام (لنگر دوازده امام) تأسیس کرد و عواید چند روستا را برای مخارج آن اختصاص داد (رجب نژاد، ۱۳۸۹: ۵۲-۵۱).

به گزارش فرشته شاه طاهر در علم تفسیر، حدیث، فقه، اصول، ریاضی و سایر حکمیات و در رمل و جفر بی بدیل بود. او هم چنین در نظم و نثر تبحر داشت و آثار بسیاری از خود به جا گذاشت از جمله: دیوان قصائد، کتاب انشای شاه طاهر، شرح باب حادی عشر (در علم کلام)، شرح جعفریه (فقه امامیه)، حاشیه تفسیر بیضاوی، حاشیه شرح اشارات، محاکمات، مجسطی، گلشن راز، شفا، شرح تحفه شاهی، رساله پالکی (هندوشاه، ۱۳۰۱: ۱۱۸)

آثار و تالیفات او رشد و شکوفایی فرهنگی و مذهبی نظام شاهیان را به وجود آورده و زمینه آشنایی مردم دکن را با مذهب تشیع را فراهم کردند

گفتنی است که نظام شاهیان پس از پذیرش تشیع، برای تحکیم و رسوخ فرهنگ شیعی در منطقه حکومتی خود دست به اقداماتی زدند. البته به دلیل نارسایی منابع این دوره، نمی‌توان به درستی از میزان تأثیر این خاندان در ترویج مکتب تشیع در دکن - چنان که دو دودمان عادل شاهی و قطب شاهی بر جای گذاشتند - سخن گفت. اختلافات و تعصبات مذهبی و نبود آرامش نسبی که تقریباً در سراسر این سلسله حکمرانی وجود داشت، ضمن اینکه سبب کوتاه شدن مدت فرمانروایی آنها شد، از شکوفایی فرهنگ و تمدن شیعی نیز جلوگیری کرد. به رغم این امر، با رسمیت یافتن تشیع در عصر برهان شاه، به شیعیان و سادات قلمرو نظام شاهی توجه خاصی شد. آنان که تا این زمان در اقلیت بودند و روزگار در تقیه سپری می‌کردند، در کانون توجه شاه قرار گرفتند مستمراً ای که پیش از این به اهل سنت داده می‌شد، قطع شد و به آنها تعلق گرفت (دلیر و سهراب زاده، ۱۳۹۴: ۱۱۹). از سوی دیگر به اهل سنت بی‌مهری شد و مواجیشان پرداخت نگردید. این دگرگونی ناگهانی سبب تحریک امیران و مقامات حکومتی و در پی آن، سلسله‌ای از جنگ‌های خونین میان گروه‌هایی از جمله دکنیان، حبشیان، غریبان یا آفاقیان و مهدویان رخ داد (دلیر و سهراب زاده، ۱۳۹۴: ۱۲۳).

این درگیری‌ها و کشمکش‌ها باعث شد که به جز مدت زمانی کوتاه، عملاً تشیع نتوانست در این منطقه دوام بیاورد. در نتیجه فرصت لازم برای شکوفایی فرهنگ و تمدن شیعی در این ناحیه فراهم نشد؛ به طوری که برخلاف دو حکومت شیعی مذهب عادل شاهی و قطب شاهی هم‌جوار نظام شاهیان - که اقدامات بسیاری در تثبیت تشیع امامی در منطقه دکن کردند - نظام شاهیان در رواج این مذهب توفیق چندانی نداشتند (دلیر و سهراب زاده، ۱۳۹۴: ۱۲۸).

نقش شاه طاهر در حضور شیعیان در مناصب اداری

در نظام حکومتی احمدنگر که یک حکومت نظامی بود، پادشاه در رأس تمام امور اجرایی، قضایی و نظامی قرار داشت و هیچ چیزی قدرت او را محدود نمی‌کرد. نظام اداری حکومت نظام شاهیان همچون نظام اداری حکومت بهمینان بود که با توجه به نیازها و شرایطشان در آن تغییراتی ایجاد کرده بودند. در رأس سیستم اداری حکومت نظام شاهیان بعد از شاه، پیشوا یا وزیر قرار داشت که تمامی دیوان‌ها زیر نظر او بود و به عبارتی پیشوا یا وزیر عامل ارتباط دیوان‌ها با شاه بود (صادقی علوی، ۱۳۹۱: ۹۵). شاه طاهر که در حکومت نظام شاهیان منصب پیشوایی را در زمان برهان شاه در اختیار داشت باعث جذب افراد بسیاری به دربار نظام شاهی شد از جمله این افراد میتوان قاسم بیک حکیم را نام برد که منصب پیشوایی را پس از شاه طاهر در اختیار گرفت. قاسم حکیم هم واسطه حضور مولانا عنایت الله در دستگاه اداری نظام شاهی شد که او نیز بعد از قاسم حکیم به منصب پیشوایی رسید و سپس افرادی چون شاه رفیع الدین حسین، تاج خان و عین الملک هم به این منصب دست پیدا کردند (طباطبایا، ۱۹۳۶: ۴۳۳).

لازم به ذکر است که پس از رسمیت یافتن تشیع بود که اکثر مناصب حکومتی به شیعیان داده شد. شاه طاهر در دربار نظام شاهیان چنان نفوذ و اعتباری یافت که برهان تمام امور مملکتش را به او سپرد هر چند که او در آغاز از پذیرفتن آن خودداری کرد ولی در نهایت این مسئولیت مهم را برعهده گرفت (طباطبایا، ۱۹۳۶: ۲۸۲).

در دیوان‌هایی نظیر دیوان درآمدها و امور مالی که مسئولیت جمع‌آوری درآمدهای حکومت و انتقال آن به خزانه عمومی را بر عهده داشت و تحت نظارت وکیل یا پیشوا بود. صلابت خان و نعمت خان سمنانی دو شیعه برجسته بودند که در زمان حکومت مرتضی نظام شاه اول (حک: ۹۷۲-۹۹۸/۱۵۶۵-۱۵۹۰) در این دیوان فعالیت می‌کردند.

در دیوان قانون و دادگاه‌ها هر چند که منابع در رابطه با دیوان قانون و قضاوت اطلاعات زیادی در اختیار ما قرار نمی‌دهد؛ اما به نظر می‌رسد نظام شاهیان در این دیوان وارث بهمنیان بودند. آنها این دیوان را بر اساس شریعت اسلام و تحت نظر قاضی القضاة سازمان دادند. حکام نظام شاهی برای این سیستم قضایی مشهور بودند و امور قضایی را به کمک مفتی و قاضی انجام می‌دادند. سید علی از جمله شیعیانی بود که در این سیستم قضایی در حکومت نظام شاهیان فعالیت می‌کرد.

ساخت باغ‌های عمومی از وظایف دیوان خدمات عمومی بود که انجام خدمات رفاه عمومی شهری را بر عهده داشت. نظام شاهیان باغ‌های فراوانی ساختند و به این امر توجه ویژه‌ای داشتند. در زمان احمد نظام شاه و برهان نظام شاه باغ‌های فراوانی ساخته شد که از جمله این باغ‌ها در زمان برهان نظام شاه هشت بهشت بود که توسط ملک احمد تبریزی کامل شد. باغ فرح‌بخش نیز یکی از باغ‌های زیبای این دوره بود. مرتضی نظام شاه اول، نعمت خان سمنانی را برای نظارت بر باغ‌ها منصوب کرد. در زمان همین پادشاه صلابت خان دوم در این دیوان راه، کانال و مخازن آب فراوانی ساخت (صادقی علوی، ۹۶: ۱۳۹۱-۹۵).

هر چند که به نظر می‌رسد تعداد شیعیان در دستگاه اداری نظام شاهیان قابل توجه نبوده ولی افرادی نظیر قاسم ارسلان و ملک قمی از شیعیان برجسته‌ای بودند که در تشکیلات اداری نظام شاهیان ذی‌نفوذ بودند (صادقی علوی، ۱۳۹۱: ۹۸).

هر چند به نظر می‌رسد در تشیع نظام شاهیان باید به علل و عوامل مختلفی پرداخت اما نقش حیاتی شیعیان را نمی‌توان نادیده گرفت؛ افرادی مانند شاه طاهر که با پیشینه غنی علمی، سیاسی و مذهبی خود توانست به جایگاه مهمی در حکومت دست یافته و خدمات سیاسی و مذهبی و فرهنگی ارزشمندی انجام دهد. ورود او به عرصه سیاسی دکن تاریخ جدیدی را برای نظام شاهیان در همه زمینه‌ها رقم زد. او با اقدامات فرهنگی خود احمدنگر را به مرکز فرهنگی تبدیل کرد، با حمایت‌های او فضای مناسبی برای فعالیت‌های ادبی و حمایت از شاعران و زبان فارسی در احمدنگر به وجود آمد و در زمانی که شیعیان تحت فشار مجال تبلیغ نداشتند او توانست با ایجاد بسترهایی مناسب راه را برای راه را برای تبلیغ و سپس پذیرش تشیع آماده کند. شاه طاهر بزرگترین موفقیت مذهبی را در دکن زمانی کسب کرد که برهان شاه کمی بعد از گرویدن به تشیع، این مذهب را دین رسمی اعلام کرد. پس از رسمیت یافتن تشیع بود که اکثر مناصب حکومتی به شیعیان داده شد و شیعیان فرصت حضور و فعالیت در تشکیلات اداری نظام شاهیان پیدا کردند.

شاه طاهر که با حضور و فعالیت‌های خود در دربار نظام شاهیان موجب تقویت پشتوانه فکری اندیشه مذهبی تشیع گردید، دولت نظام شاهی را قادر ساخت با مبانی فکری فرقه مهدویت به مبارزه برخیزد و با برنامه‌ریزی عالمانه خود از رواج این فرقه جلوگیری کرد. او با دعوت از اندیشمندان برای حضور در قلمرو نظام شاهیان و ایجاد کلاس‌های درس برای طلاب درصدد تحکیم مبانی مذهب تشیع برآمد و تألیفات ارزشمند او رشد و بالندگی مذهبی و فرهنگی دربار نظام شاهی را به دنبال داشت.

او همچنین با بینش قوی و با آگاهی عمیق خود از شرایط و فضای حاکم بر منطقه، توانست احساس نیاز به متحدی قوی مانند صفویه را در برابر گورکانیان که پیوسته نظام شاهیان را مورد تهدید قرار می‌دادند ایجاد کند و چون ایران در آن زمان مذهب شیعه دوازده امامی داشت شاید بتوان این امر را دلیلی برای قبول تشیع نظام شاهیان دانست. البته به نظر می‌رسد تغییر مذهب نظام شاهیان تحولات دامنه‌داری را در داخل حکومت و در منطقه به دنبال داشت به طوری که دربار نظام شاهی در داخل شاهد دسته‌بندی علمای مخالف اهل سنت و درباریان ناراضی بودند و در منطقه اتحاد با صفویه را به دست آورده و در نهایت در مقابل گورکانیان قرار گرفتند.

منابع

- اثر آفرینان (۱۳۸۴) زندگینامه نام آوران فرهنگی ایران از آغاز تا ۱۳۰۰ هجری شمسی، جلد سوم، زیر نظر محمدرضا نصیری، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی
- اصغری، فاطمه (۱۳۹۶)، مهاجرت علمای شیعه از ایران به دکن، عوامل و پیامدها از نیمه قرن هشتم تا نیمه قرن دوازدهم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد تاریخ و تمدن اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران
- اطهر رضوی، سید عباس (۱۳۷۶)، شیعه در هند ۱، جلد اول، ترجمه مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

- طهر رضوی، سید عباس (۱۳۹۶)، تاریخ اجتماعی - فکری شیعه اثناعشری در هند، جلد اول، ترجمه منصور معتمدی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
- چلونگر، محمدعلی؛ شاهمرادی، سید مسعود (۱۳۹۵)، دولت‌های شیعی در تاریخ، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
- سینی عرب، سید مهدی (۱۳۸۶)، اندیشه مهدویت در میان نظام شاهیان، مشرق موعود، شماره ۴، صص ۱۲۱-۱۲۲
- خانزمان خان، خواجه غلامحسین خان (۱۳۷۷)، تاریخ آصفجاهیان (گلزار آصفیه)، به اهتمام محمد مهدی توسلی، اسلام آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان
- طیبی، ابوالفضل (۱۳۷۵)، «احمد نظام شاه»، دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ج ۷، ص ۹۶
- خواجه پیری، مهدی (بی‌تا)، تحلیلی بر تاریخ تشیع در هند، مرکز تحقیقات فارسی، رایزنی فرهنگی ج.ا.ا. دهلی نو
- دفتری، فرهاد (۱۳۸۶)، تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: نشر فروزان روز
- لیر، نیره؛ سهراب زاده خدیجه (۱۳۹۴)، جستاری در تغییر مذهب نظام شاهیان؛ بازخوانی روایات تاریخی، پژوهش‌نامه‌ی تاریخ اسلام، سال پنجم، شماره هفدهم، صص ۱۱۰-۱۲۸
- ای بند رابن پسر رای بهار مال، لب التواریخ هند یا تاریخ لب الباب هند، نسخه خطی شماره ۵۳۴۷، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
- رجب نژاد، محمدرضا (۱۳۸۹)، نقش دولت‌های شیعی هند در گسترش موقوفات هندوستان، رساله دکتری تاریخ و تمدن اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی
- حمائی، مهدی (۱۳۹۵)، نقش ایرانیان مهاجر در دولت‌های شیعی هند در قرن ۷ تا ۱۰ ه.ق، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ تشیع، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز
- رضا، عنایت‌الله، (۱۳۷۵)، «احمدنگر»، دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ج ۷، صص ۹۸-۹۹

- ر —
 ئیس السادات، حسین (۱۳۶۲)، مروری بر تاریخ تشیع در هند، جستارهای ادبی، شماره ۶۴-۶۳، ص ۵۸۶
- شیرازی، رفیع‌الدین، تذکره الملوک، نسخه خطی موجود در کتابخانه ملی پاریس به شماره ۴۰، استفاده از نسخه عکسی موجود در بنیاد دایره‌المعارف اسلامی، ص ۷۵
- ص —
 ادقی علوی، محمود (۱۳۹۱)، تاریخ اجتماعی شیعیان دکن در قرن ۱۰ و ۱۱ هجری، رساله جهت دریافت درجه دکتری تاریخ اسلام، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران
- ط —
 باطبا، سید علی (۱۹۳۶)، برهان مآثر، دهلی
- غ —
 فاری فرد، عباسقلی (۱۳۸۶)، روابط صفویه و نظام شاهیان دکن، تاریخ روابط خارجی، شماره ۳۱، ص ۶
- ق —
 ادری، سید محی‌الدین (۱۳۸۶)، میر محمد مؤمن استرآبادی مروج تشیع در جنوب هند، ترجمه علی جاروی، قم: نشر مورخ
- م —
 صاحب، غلامحسین (۱۳۸۱)، دایره‌المعارف فارسی، جلد دوم (بخش‌های یک و دو)
- مطهری، مرتضی، خدمات متقابل اسلام و ایران، کتابخانه سایت نسیم مطهر
- موسوی، سید هاشم، چلونگر، محمد علی، عباسی، علی اکبر (۱۳۹۹)، نقش عالمان شیعه مهاجر ایرانی در گسترش معارف شیعی دکن (مطالعه موردی دوره عادل شاهیان و نظام شاهیان)، پژوهش‌های تاریخ ایران و اسلام، شماره ۲۷
- میر ابوالقاسم رضی‌الدین ابن نورالدین، مخاطب به میر عالم (۱۳۰۹ ق)، حدیقه‌العالم، به اهتمام سید عبداللطیف شیرازی، حیدرآباد دکن
- ز —
 جاتی حسینی، سیده راضیه (۱۳۸۸)، نقش علمای شیعه در گسترش تشیع در هند پس از حمله مغول تا پایان دوره صفوی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد تاریخ تشیع، دانشگاه پیام نور

- سعید (۱۳۴۴)، تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی تا پایان قرن دهم هجری، جلد اول، بی جا
- هالیستر، جان نورمن (۱۳۷۳)، تشیع در هند، ترجمه آرمیدخت مشایخ فریدونی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی
- ندوشاه استرآبادی، محمد بن قاسم (۱۳۸۸)، تاریخ فرشته، از بابر تا عادل شاهیان، جلد دوم، تصحیح و تعلیق و توضیح و اضافات، محمدرضا نصیری، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی
- هندوشاه استرآبادی، محمد بن قاسم (۱۳۰۱ ق)، تاریخ فرشته، جلد دوم، چاپ سنگی، بی جا
- Sewell Robert Sketch Of The Dynasties. Southern India. Madras:
Printed By E. Keys, At The Government Press, ۱۸۸۳.
- Sherwani, H., (۱۹۷۳), The historyin the medievel Deccan Editor P.M Joshi